

اطلاعیه مشترک ده جریان سیاسی

جنایات هولناک اعدام سه زندانی سیاسی و تهاجم موشکی به دفاتر احزاب کردستان را به شدت محکوم می کنیم

امروز شنبه 17 شهریور برابر با ۸ سپتامبر، حکم اعدام سه نفر از زندانیان سیاسی کردستان (رامین حسین پناهی و زانیار و لقمان مرادی) علیرغم تلاشها و اقدامات پرشمار در داخل و خارج از کشور علیه آن، به اجرا درآمد.

همزمان، مقرهای مرکزی حزب دمکرات کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران مورد حملۀ موشکی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی قرار گرفتند. علاوه بر تلفات و خسارت فراوان، شماری از کادرها و اعضای آنها جان خود را از دست داده و تعداد زیادی نیز مجروح شده اند.

این اقدام و یورش جنایتکارانه رژیم در شرایطی صورت گرفت که مبارزات مردم در کردستان و سراسر ایران دامنه گسترده ای به خود گرفت است. بحران اقتصادی و ناامنی، همای زندگی مردم را فراگرفته است. ابعاد این نارضایتی مرزهای کشور را درنور دیده است. برای نمونه، تنها روز قبل از این یورش وحشیانه، مردم معترض بصره، پایگاه شبه نظامیان وابسته به ایران و نیز کنسولگری این رژیم را تخریب نموده و به آتش کشیدند و به این ترتیب نفرت خود را از تجاوزهای ایران در عراق نشان دادند.

ما شکی نداریم که این اعدامها و عملیات تجاوزگرانه، نه تنها اراده مردم کردستان را تضعیف نمی نماید، بلکه سنگر مقاومت و مبارزه بر علیه این رژیم سرکوبگر را مستحکمتر می نماید. ما این ترور و تجاوز سازمانیافته را محکوم میکنیم و از هم مردم ایران میخواهیم که این جنایت، وحشیگری و تجاوز را با تداوم مبارزه خود بر علیه این رژیم پاسخ دهند.

مبارزه و مقاومت مردم کردستان همسو با مبارزات سراسری ایران و در پیوند عمیق با آن است. اعدام فعالین سیاسی، کشتار کولبران در مرزها و تجاوز و تعرض به دفاتر و محل سکونت احزاب، نه تنها بر

عمر منحوس این حکومت نمی افزاید، بلکه مرگ آن را تسریع می کند. ما تاسف عمیق خود را به مناسبت جانباختن کادر و پیشمرگان حزب دمکرات و اعدام سه فعال سیاسی اعلام میداریم و تسلیت خود را به خانواده و همسنگرانیشان و تمامی مردم کردستان و ایران تقدیم میداریم.

ما عهد میکنیم با تحکیم همبستگی میان خود و دیگر نیروهای همراه و همسو در اپوزیسیون، این کردار سرکوبگرانه و تبهکارانه را با تلاش برای ایجاد اتحادی گسترده و سراسری پاسخ داده و با عزمی راسختر، مبارزات خود را برای ایرانی آزاد، آباد و دمکراتیک و برابر برای همه مردمان آن، ادامه دهیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

پیروزی از آن توده هاست

17 شهریورماه 1397 - هشتم سپتامبر 2018

اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران - شورای هماهنگی

حزب تضامن دمکراتیک اهواز

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب دمکرات کردستان

حزب کومه له کردستان ایران

حزب مردم بلوچستان

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

یادمان بیستمین سالگرد قتل عام ۱۳۷۷

در ها نوfer ۷ و ۸ دسامبر ۲۰۱۸

یادمان بیستمین سالگرد قتل های سیاسی پاییز ۱۳۷۷

آلمان - ها نوfer ۷ و ۸ دسامبر ۲۰۱۸

“هر فردی حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق مستلزم آن است که کسی از داشتن عقاید خود بیم و نگرانی نداشته باشد.” (ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر)

بیست سال از قتل‌های سیاسی پاییز ۷۷ می‌گذرد. در آن برهه‌ی زمانی، پیروز دوانی، فعال سیاسی و مؤسس بولتن پژوهشی «پیام امروز»، حمید حاجی زاده، شاعر و منتقد حکومت به همراه پسر ۹ ساله‌اش کارون، داریوش فروهر و پروانه اسکندری از چهره‌های سیاسی دگراندیش، مجید شریف، عضو هیئت تحریریه‌ی «ایران فردا»، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده از اعضای فعال و مؤثر دوره‌ی سوم کانون نویسندگان، به گونه‌ای زنجیره‌ای و فجیع ترور می‌شوند.

قتل‌های سیاسی پاییز ۷۷ به دنبال سلسله ترورهای سیستماتیک بودند که جمهوری اسلامی از آغاز روی کار آمدن، بنا بر ماهیت فرهنگی-واپس‌گرایانه‌اش در داخل و خارج از ایران، برنامه‌ریزی و به مرحله‌ی اجرا درمی‌آورد. از آن جمله می‌توان به ترور دکتر کاظم سامی، دکتر تفضلی، احمد میرعلایی، غفار حسینی، ابراهیم زال زاده،

عبدالرحمان قاسملو، صادق شرفکندی، نوری دهکردی و بسیاری دیگر اشاره کرد که حکومت به موازات اعدام‌های رسمی هزاران فعال سیاسی و اجتماعی در زندان‌های مخوف خود، پی در پی طراحی و به موقع اجرا می‌نهاد. این ترورها با هدف سرکوب و حذف فیزیکی انسان‌های دگراندیشی صورت می‌گرفت که مروج و پیش برنده‌ی اندیشه‌های بالنده، مستقل و منتقد حکومت بوده، توده‌ها را به تفکر پرسشگر و انتقادی در برابر فرهنگ سرکوب، سانسور و بردگی وا می‌داشتند.

این قتل‌های سیاسی، انفجاری اجتماعی و سیاسی را در ایران و در جامعه‌ی بین‌المللی دامن زد. موج اعتراضات خانواده‌های این عزیزان و خبر سوگواری آن‌ها که با اعتراضات گسترده‌ی مردم همراه شد، به طور گسترده از طریق رسانه‌های داخلی و خارجی بازتاب یافت.

موج این اعتراضات مردمی، جمهوری اسلامی را برای نخستین‌بار وادار ساخت که پاسخی هرچند ناروشن و مغشوش نسبت به ترورهای سیستماتیک خود بدهد. به همین سبب، پاییز ۱۳۷۷ را می‌توان نقطه‌ی عطفی در اعتراضات مردمی نسبت به کشتار دگراندیشان دانست.

اگر چه موج این اعتراضات گسترده بود ولی روند پیگیری ترورها، آن گونه که انتظار میرفت به سرانجامی نرسید. پرونده‌ی آن مُثله شد، یکی از مهره‌های کلیدی و برنامه‌ریز قتل‌ها در زندان به قتل رسید، وکیل خانواده‌ها روانه‌ی زندان گردید و دادگاهی پشت درهای بسته و بی‌حضور خانواده‌ها و وکلایشان تشکیل شد. جمهوری اسلامی سعی کرد بار دیگر با تحریف تاریخ، این ترورهای سیاسی را مشمول مرور زمان کند تا برای همیشه از حافظه‌ی تاریخی مردم ایران محو شود. اما پیگیری و دادخواهی خانواده‌های این عزیزان، نیز برپایی مراسم گسترده‌ی یادمان قربانیان در داخل و خارج کشور، نگذاشت که این واقعه‌ی مهم تاریخی مشمول مرور زمان شود و نقشه‌ی حاکمان جمهوری اسلامی را برای محو این جنایت، نقش برآب نمود.

بیستمین یادمان این عزیزان، مجالی است برای بازخوانی و تأمل در فاجعه‌ی قتل‌های سیاسی و سیستماتیک در ایران. گرچه پاسخ به دادخواهی خانواده‌ها ناتمام ماند، اما تلاش پی‌گیر آن‌ها، وکلا و یاران متعهدشان در افشای این جنایات، نشان داد که پرونده‌ی این ترورها در برابر آگاهی جمعی مردم ایران همواره باز است.

در بیستمین سالگرد آن جنایات سیاسی حکومتی، گرده‌م خواهیم آمد تا یاد عزیزانی را پاس بداریم که در مقابل حکومت سرکوب و خفقان

ایستادند و جان بر سرآرمان‌های خویش نهادند.

- بیستمین یادمان، مروری است برآن بیداد و تلاش خستگی ناپذیر خانواده‌های این عزیزان و همدلان آنان برای دادخواهی. این دادخواهی چیزی نخواهد بود جز محاکمه‌ی جمهوری اسلامی در دادگاهی مستقل، بی طرف و علنی با هدف روشن شدن ابعاد جنایات و در نهایت، مجازات حاکمان جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت! به امید آن روز!

برگزارکنندگان بیستمین یادمان:

کا نون کنشگران دمکرات و سوسیالیست-هانوفر

خانواده پوینده

مراسم بیستمین یادمان: سخنرانی خانواده‌های این عزیزان و منیره برادران

گشایش نمایشگاه نقاشی، نمایش فیلم و موزیک با همراهی گلرخ جها‌نگیری

زمان: ۷ و ۸ دسامبر ۲۰۱۸

مکان: خانه کارگاه: Zur Bettfedernfabrik 1, 30451 Hannover

نقش دین و مذهب در تاریخ از منوچهر تقوی بیات

پیشوایان دین‌های گوناگون؛ خداپرستان زرتشتی، یهودی‌ها، عیسوی‌ها، مسلمان‌ها و پیشوایان دیگر دین‌ها؛ تاریخ جهان و تاریخ فرهنگ جهان را به سود خدایان خودشان یعنی به سود قدرت خودشان تحریف کرده و تغییر داده‌اند. آن‌ها صد‌ها سال کوشیدند تا از گسترش دانش و پخش دقیق و درست واقعیت‌های تاریخی جلوگیری کنند و با قدرت فوق بشری خود و به زور خدا و آتش جهنم زمین را از گشتن به دور خورشید

باز دارند. آن ها در درازای تاریخ میلیون ها انسان آزاده و بی گناه را در آتش سوزاندند و یا به شیوه های گوناگون کشتند. مسیحی ها و مسلمان ها در راه خدا جنگ های صلیبی به راه انداختند. کاتولیک ها و پروتستان ها؛ در کشتار سن بارتلمی هزاران نفر را کشتند. سنی ها و شیعه ها و هفتاد و دو فرقه ی گوناگون به جان هم افتادند و خون یکدیگر را ریختند و هنوز هم به وحشی گری خود ادامه می دهند. رهبران و پیروان همه ی دین ها تلاش کردند تا انسان را از اراده ی خودش و خدا بودن خودش تهی کنند و او را بنده وار مورد سوء استفاده قرار دهند.

در سال ۳۱۳ میلادی شاید بین ۲۸۰ یا ۲۸۳ سال پس از به صلیب کشیده شدن عیسای ناصری، آئین مسیحیت در امپراتوری روم آزاد شد و کم کم در اروپا و در جهان قدرت را قبضه کرد. دائره المعارف بریتانیکا درباره ی عیسا می نویسد: « این که عیسا یک شخصیت تاریخی بوده تأیید شده است همچنین قابل توجه است که تعیین تاریخ دقیق شمس آن ممکن نیست...». بدون گسترش آئین مهر (میترا) در امپراتوری روم دین عیسا بخت جهانی شدن را نداشت. همه گیر شدن آئین مهر ایرانی که آئینی مردم پسند بود و سربازان به آن روی آورده بودند، در روم و سرزمین های زیر فرمان امپراتوری روم نگرانی کنستانتین یکم را برانگیخت تا جایی که او ناچار شد آئین عیسا را، برای پس راندن آئین مهر، دین رسمی امپراتوری روم اعلام کند. به ویژه این که آئین مهر ایرانی در میان سربازان رومی طرفداران بسیاری داشت. گستردگی و شمار فراوان معبد های میترا که تا آغاز سده چهارم میلادی سراسر اروپا حتا لندن و شمال انگلستان را فرا گرفته بود، نشان می دهد که چرا کنستانتین یکم، به دلایل سیاسی دین عیسا را پذیرفت. رومی ها و پس از آن ها کشیش ها عیسوی، پیروان آئین میترا را در هر کجا دستگیر کرده و می سوزاندند.

تا پیش از فرمان میلان در سال ۳۱۳ میلادی بسیاری از پاپ ها به سرنوشت عیسا دچار و از سوی امپراتورهای رومی کشته شدند. با پیوستن کلیسا به قدرت حاکمه، روز به روز به قدرت پاپ و کشیش های عیسوی افزوده شد. آن ها هیچ یک ادعای پیامبری نکردند اما نزدیک به پانصد سال پس از فرمان میلان، پاپ لئون سوم با لقب شارلمانی خود را امپراتور مقدس روم نامید. این امپراتوری در اوت ۱۸۰۶ با نام امپراتوری مقدس روم ملت آلمان از بین رفت. پاپ های امپراتوری مقدس در فاصله سده ی یازدهم تا سیزدهم نه جنگ صلیبی به راه انداختند. میلیون ها انسان در این جنگ ها کشته شدند. گرسنگی و

بیماری های گوناگون مانند جذام مردم عادی را هم به کام مرگ می کشید. هم مسیحی ها و هم مسلمان ها بر این باور بودند که پس از کشته شدن در این جنگ ها یک راست به بهشت خواهند رفت. یهودی ها عیسا را به کشتن دادند تا دین خودشان رونق بگیرد، اما دین عیسا رقیب سرسختی برای دین آن ها و پیروان آئین میترا شد. پاپ و کشیش های زیر فرمانش نه تنها پیروان آئین مهر بلکه بسیاری از کتاب های علمی و دانشمندانی مانند جوردانو برونو را در آتش سوزاندند.

گالیلئو گالیله را به جرم این که دانش اخترشناسی او مخالف با نص صریح انجیل بود به دادگاه تفتیش عقاید کشاندند. گناه او این بود که گفته بود؛ زمین به دور خورشید می گردد. گالیله محکوم شد به این که یا اعتراف و امضا کند که از سر مستی چنین حرفی زده است یا در آتش سوزانده شود. البته سیصد و پنجاه سال پس از مرگ گالیله، پاپ ژان پل دوم در سال ۱۹۹۲ گالیله را بخشید، اما پاپ که می دانست زمین به دور خورشید می چرخد هرگز نگفت که گالیله دروغ نگفته بود. او هرگز اعتراف نکرد که داوری کلیسا و دادگاه و ستمی که به گالیله رفته بود، نادرست و ناروا بوده است.

در ایران باور داشتن به دین و خدای یکتا با پیدایش دین زردشت آغاز شد. ناباوری به خدای یکتا بهانه ای شد برای کشتن مردمان آزاده در ایران. ایزدگان یا ایزدان ایرانی جای خود را به ایزد(یَزَتَه) یکتا دادند و سپس ایزد به یزدان و خدای یکتا و اله؛ معنا شد. خدایکنامه یا شاهنامه را سرگذشت و تاریخ شاهان معنا کرده اند. ایرانیان پیش از زردشت، خدایان گوناگونی داشتند که هر کدام سرچشمه ی کار سودمندی در هستی بودند؛ مانند خورشید، ماه ، باد (وات، ویو، وایو، وای)، ناهید و ...

با پدید آمدن زردشت و فرهنگ یکتا پرستی چهره دانش دگرگون شد. یشت ها و سرودهایی که خدایان پیشین را ستایش می کرد، به فراموشی سپرده شد و جای خود را به اوستا کتاب زردشت داد. با پدید آمدن خط اوستایی، زردشتی ها، یشت ها و سرودهایی که خدایان گوناگون را ستایش می کرد به زبان اوستایی برگرداندند. این برگردان ها به باورهای زردشتی آلوده و دیگرگون شد. در دین زردشت، خدایان پیشین کم بهاتر شده و یَزَتَه نامیده شدند. در یشت هایی که در اوستا هست پدیده های سودمند جهان هستی از دیدگاه مزدیسنا ستایش می شود.

در اوستا اهورامزدا؛ مینوی پاک است و جسم نیست، آفریننده ی روشنایی سود بخش و تاریکی، خرد مقدس و آفریدگار کل نامیده می

شود. خدایان ایرانی مانند خورشید، ماه، ستارگان، باد، انسان و... که از آغاز جهان همیشه بوده اند ناگهان آفریده ی اهورامزدايي شدند که زردشت آن را آفرید. اهورامزداي نوي که زردشت خود را فرستاده ی او می دانست. با آمدن زردشت فرمانروایی جهان مادی به ناکجایی در آسمان و مینو سپرده شد. مردم از تخت فرمانروایی به زیر افتاد و آفریننده و بنده ی اهورامزدا گشت.

به فرمان مردم نهاده دو گوش

ز را مش جهان پر ز آواز نوش (فردوسی)

اینجا پایان آرامش و خوشی مردم بود. مردم، نخست جای خود را به اهورا مزدا و سپس به اله داد. خداوندِ خر و خداوند خانه که صاحب خر و صاحب خانه باشد؛ در ادبیات ایرانی همیشه انسان بوده است. اهورامزدا، اوستا و پیشوایان دین زردشتی، فرمانروای همه ی خدایان جهان شدند. دیگر مردم جایگاه بلند خود را نداشت و هر کس سخنی جز نوشته های اوستا و پیشوایان زردشتی می گفت به سرنوشت مانی و مزدک دچار و کشته می شد.

خدایی که پیشوایان دینی آفریده اند کاربرد سیاسی و اجتماعی داشته است و همچنان این خدا دستمایه ی فریب مردمان است.

خدا در زبان دری در گذار زمان نام های گوناگونی به خود گرفته است. خدا را فرهنگِ واژه یاب و لغت نامه دهخدا چنین معنا می کنند: «۱. آفریدگار،

[illegible]

لغت نامه ی دهخدا می نویسد: «... در اوستا بَغ بمعنی بهره و نرخ و بخش و بخت آمده. در گاتها بغ بهمین معنی است، دوم بغه در اوستا و بگه در پارسی باستان بمعنی خدا و دادار و آفریدگار است. در اوستا این کلمه چندبار مرادف خدا (اهورمزدا) و گاهی نیز بمعنی ایزد آمده است. بغ به هر دو معنی از یک بنیاد است از مصدر بگ اقوام سکه مانند دیگر قبایل آریایی خدای خود را بگه می نامیدند. نزد همه^۴ اقوام آریایی یا اقوام هند و ایرانی پیش از برانگیخته شدن زرتشت، بغ نام مطلق خدا بوده. زرتشت خدای یگانه^۵ خود را اهورمزدا خواند، اما واژه^۶ بغ همچنان بمعنی اصلی خود باقی مانده، در اوستا مفهوم خود را از دست نداده است...».

در فرهنگ های زبان پارسی و پارسی دری، واژگان دا، همچنین دایه ، خدا، خداوند، خداوندگار، شاه و واژه های دیگری که آفریننده بودن و برگزیده بودن و خدا بودن مردم را دربرداشته است به گونه ای معنا کرده اند که ردپای خدا بودن انسان را از بین ببرند. خدا؛ با آمدن دین زردشت، اهورا مزدا، دادار، آفریدگار و ... شد و سپس با آمدن اسلام به ایران همه ی این نام ها به الله اختصاص پیدا کرد.

ابن خلدون تاریخ نگار، جامعه شناس و مردم شناس تونسوی درباره ی زبان هایی که عرب و اسلام به ایران زده است می نویسد: « اما ایرانیان بر شیوه ای بودند که به علوم عقلی اهمیتی عظیم می دادند و دایره آن علوم در کشور ایشان توسعه یافته بود زیرا دولت های ایشان در منتهای علیه پهنآوری و عظمت بود و هم گویند که این علوم پس از آنکه اسکندر دارا را کشت و بر کشور کیانیان غلبه یافت از ایرانیان به یونان رسیده است چه اسکندر به کتب و علوم بیشمار و بیحد و حصری از ایشان دست یافت... چون کشور ایران به دست اعراب فتح شد و کتب بسیاری در آن سرزمین یافتند سعد ابن ابی وقاص به عمر بن خطاب نامه نوشته تا درباره ی کتب و به غنیمت بردن آن کسب اجازه کند. عمر نوشت که آنها را در آب فرو افکنید چه اگر آنها راهنمایی و راستی باشند خداوند ما را به رهبری کننده تر از ان هدایت کرده است و اگر کتب اهل ضلال و گمراهی است پس کتاب خدا ما را از آنها بی نیاز کرده است از این رو آنها را در آب و یا آتش افکندند. این است که علوم عقلی ایرانیان از میان رفت و چیزی از آنها بماند نرسید...»

پس از آمدن اسلام به ایران مسلمان ها سنی بودند و رافضی بودن؛ شیعه بودن رونق چندانی نداشت و رافضی ها را لعن می کردند و حتا می کشتند. اما پسرِ پسرِ پسرِ پسرِ پسرِ پسرِ شیخ صفی الدین اردبیلی یعنی شاه اسماعیل صفوی که بنا به گفته ی احمد کسروی و عبدالحسین زرین کوب، پدرانش همگی سنی بودند پیش از آن که به سن بلوغ برسد به دلایل سیاسی شیعه می شود و مذهب ایرانیان را به ضرب و زور شمشیر شیعه می کند تا بتواند جنگ های ایران و عثمانی را راه بیندازد و مسلمانان سنی را از دم تیغ بگذراند. او پس از تاجگذاری در تبریز تنها در یک روز سر هزاران نفر را که حاضر نشدند عبارت «اشهد أن علیاً علیاً» را به اذان اضافه کنند از تن جدا کرد.

تا پیش از آمدن فقیهان شیعه از لبنان به ایران در دوران صفوی ها، کشتن رافضی ها (شیعه ها)، زندیق ها و کافر ها به فتوای پیشوایان دینی نیاز داشت که این کار با در نظر گرفتن شرائط اجتماعی و

رقابت بین پیشوایان دینی به سادگی نمی توانست انجام گیرد. با آمدن پیشوایان مذهبی وارداتی از لبنان این پیشوایان برای نزدیکی به دستگاه حاکمه در فتوا دادن و کشتن مخالفان حکومت و کافر ها بر یکدیگر پیشی می گرفتند و به این ترتیب کشتن شاهزاده های میهن دوست صفوی و اندیشمندان ایرانی به سادگی و هر روز در ایران انجام می گرفت.

ایجاد حکومت شیعه ی صفوی در ایران زمینه ساز جنگ های مذهبی میان ایران شیعه و حکومت عثمانی سنی مذهب شد که دو کشور اسلامی بودند. دربار عثمانی ها، مردمان نادان و یا کسان دیگری، شیعیان را در جنوب لبنان آزار می دادند و با آن ها بدرفتاری می کردند. این کار بهانه ای شد برای انتقال "علمای شیعه" ی جبل عامل و جنوب لبنان به ایران در سده های شانزدهم و هفدهم میلادی. این جنگ ها تا نیمه ی نخست سده ی نوزده میلادی ادامه یافت.

انتقال "شیعیان عاملی" که می توان آن ها را عوامل ایدئولوژیکی شیعه ی انگلیسی (یا به گفته ی دکتر علی شریعتی؛ " تشیع مصلحت") به شمار آورد، درگیری ها و جنگ های امت شیعه ی ایران اسلامی با حکومت عثمانی را پدید آورد. این کار سد امنیتی و حفاظتی دراز مدت برای جلوگیری از حمله ی ترک های مسلمان به مستعمره ی انگلیس ها در هندوستان را بوجود آورد. برادران شرلی؛ سِر آنتونی شرلی و سِر رابرت شرلی با ایجاد توپخانه و تجهیزات پیشرفته برای سپاه شاه عباس در این جنگ ها کمک های مؤثری به سپاهیان "اسلام" کردند. رابرت شرلی بپاس این خدمات در ایران و در جنگ با عثمانی ها، هنگام سفارت از طرف شاه عباس در اروپا، از سوی امپراتوری مقدس روم مفتخر به دریافت عنوان کنت (counte) و همچنین لقب سِر (Sir) شد. درگیری ها و جنگ های دراز و کش دار ایران و عثمانی در دوران صفوی ها، مستعمره ی بزرگ هندوستان را از تهاجم عثمانی ها دور نگه داشت.

عادت دادن ایرانیان در درازای پانصد سال به اطاعت از مجتهدین و آخوندهای شیعه زمینه ساز حکومت خمینی در قرن بیست و یکم میلادی در ایران شد و کشور ما را صدها سال به قهقرا بازگردایند.

با برنامه ریزی رهبران کنفرانس گوادلوپ (آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان غربی) و به قدرت رسیدن خمینی در پهنه ی سیاسی ایران بار دیگر شیعه گری در ایران بالا گرفت و با وارد کردن شیعه های وارداتی از کشورهای گوناگون عربی و غیر عربی کشتن ایرانیان میهن

دوست به بهانه ی کمونیست بودن، خارج از دین بودن، زانی بود، لائیک بودن و بر سر موضع بودن، در دستورکار قرار گرفت. هزاران جوان دلیر و میهن دوست ایرانی را به دستور خمینی در خیابان ها به گلوله بستند و یا در زندان ها و در جبهه ها به بهانه ی جنگ کشتند. قتل های زنجیره ای نیز در درازای این هرج و مرج های اسلامی همیشه ادامه داشته است. جمهوری اسلامی با هدف از بین بردن ایران و ایرانی به وجود آمده است. خمینی بارها گفته و در صحیفه ی نور نیز نوشته شده است: «هدف ملت ایران، حاکمیت اسلام» است. او با واژه های موهومی به نام اسلام و امت اسلام، ملت ایران و اقتصاد ایران را به نابودی کشاند. او با ملت ایران و هر چه که ملی است دشمنی ورزیده و بارها در صحیفه ی نور تکرار شده است: «... ما برای اسلام قیام کردیم (۵۲۵) اگر این نهضت ملی بود نه شما اینقدر فعالیت می کردید و نه ما و نه سایر ملت. ملت اسلام را می خواهد، [کدام اسلام؟!!!!] ملت کشور خودش را هم می خواهد برای اسلام است (۵۲۶) ... هیچ من نمی توانم تصور کنم و هیچ عاقلی نمی تواند تصور کند که بگویند ما خونهایمان را دادیم که خربزه ارزان بشود! ما جوانهایمان را دادیم که خانه ارزان بشود. هیچ عاقلی جوانش را نمی دهد که خانۀ ارزان گیرش بیاید. مردم همه چیزشان را برای جوانهایشان می خواهند؛ برای خانمانشان می خواهند. این منطق، یک منطق باطلی است، که شاید کسانی انداخته باشند، مغرضها انداخته باشند توی دهن مردم که بگویند ما خون دادیم که مثلاً کشاورزیمان چه بشود (۵۲۸)» خمینی به بهانه ی اسلام و امت پرستی جوانان کشور ما را به کشتن داد و ایران را به باد غارت و ویرانی سپرد و این غارت و کشتار همچنان به دست خامنه ای و دشمنان ایران ادامه دارد.

منوچهر تقوی بیات

استکھلم – هشتم شهریور ۱۳۹۷ شمسی برابر با ۳۰ اوت ۲۰۱۸ میلادی

گلچینی از نقاشی‌های گنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران از سودابه اردوان

بیست و چهارمین گنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران

کلن 24 ژوئیه 2013

سودابه اردوان

سودابه اردوان نقاش، مجسمه ساز و هنرمند متولد تبریز است. هنگامی که دانشجویی 23 ساله و ساکن تهران بود توسط رژیم بنیادگرای جمهوری اسلامی به دلیل فعالیت سیاسی دستگیر و روانه زندان می‌شود. او که از فعالین و مبارزان راه آزادی و دموکراسی و جنبش پیشرو زنان است، هشت سال از بهترین سال‌های زندگی خود را در زندان‌های مخوف اوین و قزلحصار به سر برده است و از بازماندگان فاجعه ملی سال 67 می‌باشد.

یادنگاره‌های زندان مجموعه‌ای از خاطرات دردناک این سال‌هاست که به همراه مجموعه‌ای بی‌نظیر از نقاشی‌های این هنرمند منتشر شده است. او از سال 1996 به عنوان پناهنده سیاسی ساکن کشور سوئد می‌باشد.

فرهمنند رکنی

منشور سیاسی مصوب گردهمایی سراسری هشتم

منشور سیاسی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

مصوبه گردهمایی سراسیر هشتم

۲۶ و ۲۷ می ۲۰۱۸ - ۵ و ۶ خرداد ۱۳۹۷

- دفاع از حق حاکمیت مردم ایران، پایبندی به استقلال کشور و مخالفت با مداخله قدرت های خارجی در تعیین سرنوشت کشور.
- تلاش در راه استقرار جمهوری مبتنی بر انتخابات آزاد و همگانی با رأی مخفی، برابر و مستقیم شهروندان.
- سپردن ادارۀ کشور به دست نمایندگان منتخب مردم. تفکیک و استقلال قوا، از جمله مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی و مجازی.
- پایبندی به اصل تناوب قدرت سیاسی و انتخابی بودن مسئولان و گردانندگان کشور.
- جدائی دولت و دین و مسلک. حفظ بیطرفی دولت نسبت به ادیان. نبود دین رسمی در قانون اساسی و سایر قوانین کشور. پایبندی به اصل آزادی ادیان، اعتقادات و وجدان.
- پایبندی به اصل بنیادین آزادی های فردی، از جمله آزادی گزینش شیوۀ زندگی، آرایش و پوشش. پذیرش و دفاع از حقوق و آزادی های مندرج در اعلامیۀ جهانی حقوق بشر (دسامبر ۱۹۴۸) و میثاق های مندرج در منشور بین المللی حقوق بشر به ویژه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶) و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۶ دسامبر ۱۹۶۶).
- تأمین آزادی های اجتماعی بنیادی، از جمله آزادی اندیشه، بیان و قلم و تشکیل سندیکاها و اتحادیه های صنفی، انجمن ها، احزاب و سازمان های سیاسی و دفاع از حق اعتصاب و تظاهرات.
- یکسان بودن تمام افراد جامعه در برابر قانون و برخورداری برابر از حقوق فردی و اجتماعی، مستقل از جنسیت، قومیت، اصل و نسب، زبان و کیش و مسلک. پذیرش و دفاع از مفاد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹) و نیز مفاد اعلامیۀ حذف خشونت علیه زنان (۲۰ دسامبر ۱۹۹۳).
- لغو مجازات اعدام و ممنوعیت هرگونه شکنجه و مجازات مغایر با شئون و حیثیت انسانی. پذیرش و دفاع از مفاد کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بیرحمانه، غیر انسانی یا تحقیرآمیز (۱۰ دسامبر ۱۹۸۴).
- پایبندی به گسترش عدالت اجتماعی، کاهش شکاف های طبقاتی،

توزیع عادلانه ثروت و ریشه کن ساختن گرسنگی و فقر. تلاش در راه برخورداری هرچه گسترده تر و برابر شهروندان از خدمات آموزشی، درمانی و اجتماعی بنیادی.

▪ تلاش در راه دستیابی به برابری زنان و مردان و حقوق برابر آنان در همه عرصه های زندگی اجتماعی به ویژه در نهادهای سیاسی، اجرائی و قانونگذاری با خلق فرصت های ویژه از جمله سهمیه بندی.

▪ پایبندی به زدودن ستم ها، نابرابری ها و تبعیض های قومی، فرهنگی و زبانی. توزیع بایسته و عادلانه ثروت های ملی برای رفع محرومیت های دیرپای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اداری در راه دستیابی به رشدی موزون و پایدار در کشور. سپردن تصمیم گیری ها در امور محلی و منطقه ای به نهادهای منتخب ساکنان. عدم کارگیری قهر و خشونت در حل مسائل ملی-قومی و گشودن مباحثه ای ملی جهت تعیین شکل و چارچوب مطلوب برای تحکیم همزیستی تاریخی و مسالمت آمیز مردم سراسر کشور (خودمختاری، فدرالیسم، انجمن های ایالتی و ولایتی ...). پذیرش و دفاع از مفاد اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، دینی و زبانی (۱۸ دسامبر ۱۹۹۲).

▪ پاسداری از محیط زیست و صیانت از منابع طبیعی و کاهش آلودگی ها به عنوان شرط و معیار بهزیستی و رشد پایدار. هواداری از جایگزینی منابع انرژی و تولید حامل های انرژی پایدار به جای حامل های فسیلی. هزینه های عظیم اقتصادی و لطمات جبران ناپذیر برای محیط زیست، ورود به چرخه هسته ای، زندگی مردم و نسل های آینده میهن ما را به خطری اندازد.

▪ پاسداری و مراقبت از میراث های تاریخی و فرهنگی که ثمر تلاش ها و خلاقیت های مشترک مردمان ایرانند و امروز بار دیگر در معرض تعرض و تخریب و تحریف زمامداران متعصب قرار گرفته اند.

▪ دفاع از صلح و همزیستی مسالمت آمیز ملت ها، در منطقه خاورمیانه و جهانی عاری از سلاح های هسته ای.

راهبرد سیاسی

▪ خواست ما، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به دست مردم ایران برای استقرار جمهوری، دموکراسی و لائیسیت (جدایی دولت* و دین) در ایران است. ما با تکیه بر شیوهی مسالمت آمیز مبارزه، از همه اشکال مبارزات و اعتراضات مردم برای آزادی

و رهایی خود، از جمله قیام و انقلاب، پشتیبانی می‌کنیم. (*)
دولت در مفهوم سه قوای قانون گذاری، قضایی و اجرایی و
نهادهای همگانی).

• لازم‌گذار دموکراتیک به نظام جانشین، فراخواندن مجلس
مؤسسان است که از طریق انتخابات آزاد و با رأی همگانی در
شرایط تضمین کامل آزادی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی تشکیل
شود. مجلس مؤسسان، نوع نظام آینده را تعیین و قانون اساسی
آنها تدوین می‌کند و به همه پرسى می‌گذارد. ما هوادار نظام
جمهوری هستیم.

۲۶ و ۲۷ می ۲۰۱۸ - ۵ و ۶ خرداد ۱۳۹۷

خروج از سرمایه‌داری: تزهایی از سمیرامین به زبان فرانسه

متن پی دی اف : لینک کنید روی متن زیر:

[خروج از بحران سرمایه‌داری یا خروج از سرمایه‌داری
در حال بحران؟](#)

تزهایی طرح شده در این سخنرانی را سمیرامین در کتابی تحت عنوان
بالا در انتشارات Le temps des Cerises به سال 2009 منتشر می‌کند.